

سبک‌های دلبستگی، تنظیم هیجان و ملاک‌های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی

فرانک غفوری اصل^۱

محمدحسین عبداللهی^۲

محسن امیری^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۸/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۸

یکی از دغدغه‌های مهم زندگی هر فرد، انتخاب همسر است. انتخاب همسر و معیارهای مربوط به آن، به عنوان عوامل بنیادی در ایجاد یک فضای گرم و صمیمی که زمینه ساز رشد و پیشرفت جامعه است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. با توجه به اهمیت موضوع، هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک‌های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی بود. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع همبستگی است. جامعه این پژوهش را تمامی دانشجویان دختر و پسر دوره کارشناسی دانشگاه خوارزمی تهران (در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ که مجموعاً ۵۱۶۰ دانشجو بودند) تشکیل می‌دادند. از این جامعه، ۲۵۰ دانشجوی دختر و پسر مجرد (۱۲۵ پسر و ۱۲۵ دختر) به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب و سپس پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان (کولینز و رید، ۱۹۹۰) ($\alpha = 0.95$) (آلفای کرونباخ)، خرده‌مقیاس تنظیم هیجانی (شات و همکاران، ۱۹۹۸) ($\alpha = 0.88$) (آلفای کرونباخ) و ملاک‌های انتخاب همسر (فراهانی و عابدی، ۱۳۸۵) ($\alpha > 0.80$) (آلفای کرونباخ) را تکمیل نمودند. در فرآیند گردآوری داده‌ها، پژوهشگر پس از کسب رضایت و توضیح فرآیند پژوهش به شرکت‌کننده‌ها، پرسشنامه‌ها را بین آنها توزیع می‌کرد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی، از روش همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام و آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که تنظیم هیجان و سبک دلبستگی ایمن با مولفه‌های انتخاب همسر وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی ارتباط مثبت معنادار داشتند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که تنظیم هیجان و سبک دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی می‌توانند ۲۳ درصد از واریانس ملاک وظیفه‌شناسی را تبیین کنند. تنظیم هیجان، دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی و دلبستگی اجتنابی می‌توانند ۲۵ درصد از واریانس ملاک برون‌گرایی انتخاب همسر را تبیین کنند و سبک‌های دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی، اجتنابی و ایمن می‌توانند ۱۷ درصد

E-mail: Vida_therasmus2000@yahoo.com

^۱ کارشناس ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

^۲ دانشیار، دانشگاه خوارزمی

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، روانشناسی عمومی، دانشگاه خوارزمی

از واریانس ملاک عینی انتخاب همسر را تبیین نمایند. همچنین، نتایج آزمون t مستقل نشان داد دو گروه دختر و پسر از لحاظ ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی تفاوت دارند. بدین ترتیب، براساس نتایج این پژوهش می‌توان در مشاوره‌های قبل از ازدواج با تعیین سبک دلبستگی و تنظیم هیجان افراد، ملاک‌های انتخاب همسرشان را پیش‌بینی کرد.

واژگان کلیدی: سبک دلبستگی، تنظیم هیجان، ملاک انتخاب همسر و دانشجویان مجرد

Archive of SID

مقدمه

یکی از دغدغه های مهم زندگی هر فرد انتخاب همسر است. انتخاب همسر و معیارهای مربوط به آن، به عنوان عوامل بنیادی در ایجاد یک فضای گرم و صمیمی که زمینه ساز رشد و پیشرفت جامعه است، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (عابدی، ۱۳۸۶).

انتخاب همسر از زمانی که داروین در سال ۱۸۷۱ در مورد انتخاب جنسی نوشته، یکی از موضوعات مورد توجه زیست‌شناسان بوده است؛ با این حال تا سال ۱۹۹۸ که تحقیقات شکل منظم‌تری یافته، انتخاب همسر در انسان خیلی به ندرت مورد تحقیق قرار گرفته است (مثل هیل، ۱، ۱۹۴۵؛ مگنیز، ۲، ۱۹۵۸؛ وکیل، ۳، ۱۹۷۳). این احتمال که در واقع راهبردهایی برای انتخاب همسر در انسان وجود دارد، در طول سال‌ها در بسیاری از فرهنگ‌ها مطرح شده و در بیانات حکیمانه گوناگونی به کار رفته است (پدیادیتاکیس، ۴، ۱۹۹۷).

پاره ای از تحقیقات (باس، ۵، ۱۹۹۸؛ اشمیت، ۶، ۲۰۰۳) در انتخاب همسر به تفاوت‌های جنسی اشاره کرده و برخی دیگر (میلر، ۷، ۲۰۰۲) مردان و زنان را در انتخاب همسر مشابه دانسته و تفاوت‌های جنسی را گزارش نکرده اند. در بین تحقیقاتی که تفاوت‌های جنسی در انتخاب همسر را مطرح می‌سازند، مسئله مهم چگونگی تعبیر و تفسیر این تفاوت‌ها می‌باشد. بعضی بر اساس دیدگاه تکاملی^۸ (باس و بارنس، ۹، ۱۹۸۶؛ کنریک، ۱۰ و تروست، ۱۱، ۱۹۹۳) یا نظریه راهبردهای جنسی^{۱۲} (باس و اشمیت، ۱۹۹۳) این تفاوت‌ها را به تفاوت‌های زیستی نسبت داده اند و برخی دیگر طبق نظریه نقش اجتماعی^{۱۳} (ایگلی، ۱۴ و وود، ۱۵، ۱۹۹۹؛ ایگلی و وود، ۲۰۰۲) تفاوت‌ها را به نقش‌های اجتماعی ربط می‌دهند.

از سوی دیگر، ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین‌شخصی به گونه‌ای عمیق از سبک دلبستگی^{۱۶} اشخاص تاثیر می‌پذیرند (حیدری و اقبال، ۱۳۹۰؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۲). بنابراین، ازدواج نیز که در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۴) می‌تواند از سبک‌های دلبستگی تاثیر پذیرد. تلفیق چندین نظریه در مورد تاریخ زندگی (لاو، ۱۷، ۱۹۹۸؛ نقل از اشمیت، ۲۰۰۵) و نظریه دلبستگی

¹ Hill

² McGinnis

³ Wakil

⁴ Padiaditakis

⁵ Buss

⁶ Schmitt

⁷ Miller

⁸ evolutionary

⁹ Barnes

¹⁰ Kenrick

¹¹ Trost

¹² Sexual strategies theory

¹³ Social role strategies theory

¹⁴ Eagly

¹⁵ Wood

¹⁶ attachment style

¹⁷ Low

(بالی، ۱، ۱۹۶۹) اشاره دارند به اینکه تجربیات دوران کودکی، راهبردهای انتخاب همسر در بزرگسالی را تحت تاثیر قرار می‌دهند (بلسکی ۲، ۱۹۹۹؛ چیشولم ۳، ۱۹۹۶؛ دراپر ۴ و هارپندینگ ۵، ۱۹۸۸؛ نقل از اشمیت، اشمیت، ۲۰۰۵). در واقع، دلبستگی، نگهدارنده نزدیکی متقابل بین دو فرد در تمام مراحل زندگی است (خانجانی، ۱۳۸۴). اگرچه سبک دلبستگی فرد در سال‌های اولیه زندگی شکل می‌گیرد، ولی در تمام طول عمر تداوم می‌یابد و ابعاد مختلف زندگی فرد از جمله روابط صمیمانه، عشق و ازدواج و چه بسا همسازی زناشویی وی را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (هازان و شیور ۶، ۱۹۸۷؛ سیمپسون ۷ و همکاران، ۱۹۹۲).

شواهد بسیاری ثابت می‌کنند که افراد دارای مهارت هیجانی، یعنی کسانی که احساسات خود را به خوبی می‌شناسند و آنها را تنظیم می‌کنند و احساسات دیگران را نیز درک و به طرز اثربخشی با آن برخورد می‌کنند، در حوزه‌های مختلف زندگی، موفق و کارآمد می‌باشند و صاحب‌نظران و پژوهشگرانی که به بررسی و مطالعه علمی هوش هیجانی می‌پردازند، معتقدند که هوش هیجانی می‌تواند کاربردها و تاثیرات مهمی بر فعالیت‌های گوناگون آدمی همچون: رهبری و هدایت دیگران، زندگی شغلی، زندگی خانوادگی و زناشویی، تعلیم و تربیت، سلامت روانی و... داشته باشد (یارپاری، مرادی و یحیی زاده، ۱۳۸۶). ولی یکی از جنبه‌هایی که هوش هیجانی تاثیر فوق‌العاده‌ای بر موفقیت در آن دارد، ازدواج و زندگی زناشویی است؛ به عبارتی، اگر زمینه‌ای باشد که هوش هیجانی در آن اهمیت دارد، آن زمینه ازدواج است، زیرا بنیاد و اساس رضایت از روابط، به توانایی فهم و کنترل هیجانات بستگی دارد و جزء مهمی از رضایت زناشویی، آگاهی فرد از هیجانات همسرش و احترام به آن هیجانات است (یارپاری، مرادی و یحیی زاده، ۱۳۸۶). با توجه به مطالب مطرح شده، هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک‌های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی بود و سوال‌های تحقیق به قرار زیر بودند:

۱. آیا تنظیم هیجانی با ملاک‌های انتخاب همسر همبستگی دارد؟
۲. آیا سبک‌های دلبستگی با ملاک‌های انتخاب همسر همبستگی دارد؟
۳. آیا سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان می‌توانند با هم ملاک‌های انتخاب همسر را پیش بینی کنند؟
۴. آیا مردان و زنان از لحاظ ملاک‌های انتخاب همسر با هم تفاوت دارند؟

¹ Bowlby

² Belsky

³ Chisholm

⁴ Draper

⁵ Harpending

⁶ Hazen & Shaver

⁷ Simpson

دیدگاه تکاملی و نظریه راهبردهای جنسی، تفاوت‌ها را بر اساس تفاوت‌های زیستی - تولیدمثلی بررسی کرده است. بر اساس این نظریه، هر جنس با مشکلات منحصر به فردی در تولید مثل موفق رو به رو می‌شود. زنان و مردان از نظر مسئولیت در قبال فرزند، ظرفیت تولید مثل^۱، رفتار پدرانه^۲ در مقابل رفتار مادرانه^۳ متفاوت‌اند و برای مقابله با این موارد، راهبردهای متفاوتی را به کار می‌برند. مردان نسبت به زنان سلول‌های جنسی بیشتری تولید می‌کنند و مسئولیت کمتری در مورد فرزندان دارند. بنابراین، آنان تمایل بیشتری به داشتن ارتباطات کوتاه مدت دارند و تعداد ارتباط آنان با غیر همجنس نسبت به زنان بیشتر است (باس، ۱۹۹۸ به ویرایش پروین ۴ و کوپر ۵، ۱۹۹۸). نکته دیگر در دیدگاه تکاملی این است که مردان تاکید بیشتری نسبت به زنان بر زیبایی جسمی دارند، چرا که زیبایی با سن، سلامت و تناسب برای تولیدمثل ارتباط دارد. بر عکس، مسئولیت زنان در تولید فرزندی که زنده بماند خیلی زیاد است، زیرا دوران بارداری و پس از آن در برگیرنده تحمل زحمت و مراقبت بسیار است. مورد دیگر که این مسئولیت را افزایش می‌دهد این است که زنان در تولید فرزندان نسبت به مردان محدودیت بیشتری دارند (باس، ۱۹۹۸، به ویرایش پروین و کوپر، ۱۹۹۸).

در این پژوهش ملاک‌های انتخاب همسر در سه عامل مورد توجه قرار می‌گیرد:

عامل اول یا عامل وظیفه‌شناسی و تعهد: شامل خصوصیات درونی و فردی هستند که شناخت آنها نیاز به بررسی عمیق دارد و به سادگی صورت نمی‌گیرد، مثل توانایی حل مسئله، با اعتماد به نفس، دارای انگیزه پیشرفت، وفادار و متعهد، دارای ثبات رای.

عامل دوم یا عامل برون‌گرایی-درون‌گرایی: صفاتی است که در ارتباط با دیگران بروز می‌نمایند، مثل شاد و سرزنده، پرنرژی و فعال، هیجان طلب، بیانگر و باز، شوخ طبع، با گذشت، مهربان و صمیمی که در جوامع جمع‌گرا که موفقیت فرد در ارتباط با دیگران و به خصوص خانواده همسر، نقش ارزنده‌ای در موفقیت در روابط زناشویی دارد، عوامل مهمی در ملاک‌های انتخاب همسر به نظر می‌رسند.

عامل سوم یا عامل عینی: صفات عینی که اشاره به وضعیت و موقعیت فرد دارند و به راحتی قابل شناسایی می‌باشند و در ایجاد جذابیت‌های ابتدایی موثر هستند، مثل آینده اقتصادی خوب، جایگاه اجتماعی و تحصیلات. به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها به خصوص در جوامع جمع‌گرا که ادراک خود وابسته به دیگران

1 Reproductive capacity

2 paternity

3 maternity

4 Pervin

5 Cooper

بوده و خود در بافت اجتماع تعریف می‌گردد، در ملاک‌های انتخاب همسر مهم به شمار آیند (عابدی، ۱۳۸۶).

میکولینسر و شیور (۲۰۰۳) پویایی ۱ سیستم دلبستگی در بزرگسالی را نشان دادند و اظهار داشتند سیستم دلبستگی، یک وسیله ذاتی تنظیم‌کننده است که برای شخصیت و رفتار بین‌فردی، دارای کاربرد و پیامدهای مهمی است. افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، راهبردهای کاملاً متفاوتی را برای تنظیم عواطف و پردازش اطلاعات هیجانی ۲ به کار می‌برند (شیور، شاخنر ۳ و میکولینسر ۴، ۲۰۰۵). سبک‌های دلبستگی بر شیوه مدارا با استرس‌ها و برخورد با وقایع تروماتیک و حوادث تهدیدکننده زندگی تأثیر دارند؛ به طوری که افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، در مقایسه با سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا، در چنین شرایطی بهتر مقابله می‌کنند و از سلامت روان بهتری برخوردارند (دیتوماسو ۵، برانن-مک نالتی ۶، راس ۷ و برگس ۸، ۲۰۰۳؛ نقل از رحیمیان رحیمیان بوگر و همکاران، ۱۳۸۷؛ میکولینسر و شیور، ۲۰۰۳) همچنین، از راهبردهای تعامل اجتماعی مثبت‌تری نسبت به دو گروه دیگر استفاده می‌کنند و تنظیم هیجانی بیشتری دارند (کراگنولا ۹ و همکاران، ۲۰۱۱).

اشخاص دارای سبک دلبستگی ایمن، از آن دسته راهبردهای تنظیم هیجانی استفاده می‌کنند که استرس را به حداقل می‌رسانند و هیجان‌های مثبت را فعال می‌کنند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۴؛ لینلی ۱۰ و ژوزف ۱۱، ۲۰۰۴). به علاوه، اشخاص دارای سبک‌های دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا از آن دسته راهبردهای تنظیم هیجانی سود می‌جویند که بر هیجان‌های منفی تأکید دارند یا تجربه‌های هیجانی را سرکوب می‌کنند (اجتنابی) یا آنکه باعث می‌شوند موقعیت‌ها، استرس‌زاتر تجربه شوند (میکولینسر و شیور، ۲۰۰۴). افراد اجتنابی در مورد صمیمیت و تعهد نگرانند. آنها تمایلی به مشارکت در روابط نزدیک ندارند و ترجیح می‌دهند به دیگران وابسته نشوند و نیاز به دلبستگی را تحت فشار استقلال و کنترل انکار می‌کنند. افراد دوسوگرا اشتیاق زیادی برای صمیمیت دارند، در عین حال ترس از طرد را تجربه می‌کنند. دوسوگراها نسبت به افراد ایمن و اجتنابی، از اعتماد به خود کمتری برخوردارند. این ویژگی‌های آسیب‌زای دلبستگی‌های ناایمن زمینه را برای پیدایش و یا تداوم مشکلات و اختلال‌های روان‌شناختی فراهم می‌سازند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۱).

1Dynamic
2emotion information processing
3Schachner
4Mikulincer
5 Ditommaso
6 Brannen-McNulty
7 Ross
8 Burgess
9 Crugnola
10Lineley
11Joseph

تنظیم هیجان ۱ به عنوان فرآیند آغاز، حفظ، تعدیل و یا تغییر در بروز، شدت یا استمرار احساس درونی و هیجان مرتبط با فرآیندهای اجتماعی- روانی و فیزیکی در به انجام رساندن اهداف فرد تعریف می‌شود (ویمز و پینا، ۲۰۱۰). در واقع، تنظیم هیجانی تنها سرکوب هیجان‌ها نیست، بلکه شخص نباید همیشه در یک حالت آرام و ساکن از برانگیختگی هیجانی قرار داشته باشد. در عوض تنظیم هیجانی، شامل فرآیندهای نظارت و تغییر تجربیات هیجانی شخص است (تامپسون^۳، ۱۹۹۴؛ نقل از مهدوی حاجی، ۱۳۸۹). هیجان‌ها هیجان‌ها دارای کیفیت بالایی هستند؛ به این صورت که می‌توانند باعث واکنش مثبت یا منفی در افراد شوند. اگر متناسب با موقعیت و شرایط باشند باعث واکنش مثبت و در غیر این صورت باعث واکنش منفی می‌شود. بنابراین، زمانی که هیجان‌ها شدید می‌شوند یا طولانی می‌شوند و یا با شرایط سازگار نیستند، آن زمان نیاز به تنظیم کردن آنها لازم است (گروس^۴، ۱۹۹۸).

اشخاصی که از سطوح بالاتر هوش هیجانی (که تنظیم هیجان از مولفه‌های اصلی آن است) برخوردارند در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضامندی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (شات و همکاران، ۲۰۰۱؛ نقل از فدوی، ۱۳۸۹). براساس برخی مطالعات، مؤلفه‌های هوش هیجانی (شامل تنظیم هیجان، ارزیابی و بیان هیجان و بهره برداری از هیجان) یک پیش‌بین عمده برای شاخص‌های بهزیستی روانی از جمله رضایت از زندگی و عملکرد بین فردی محسوب می‌شوند (اکسترمر^۵ و فرناندز^۵، ۲۰۰۵؛ وان‌دایس^۶، ۲۰۰۵). رهنما (۱۳۸۱) نشان داد که آموزش‌های حین ازدواج، تاثیری مثبت بر رضایت زناشویی دارد و بنابراین آموزش تنظیم هیجان می‌تواند به شکل‌گیری ازدواجی موفق نایل شود.

بنابر نتایج بعضی از پژوهش‌ها (فنی و نولر، ۱۹۹۰؛ بشارت و همکاران، ۱۳۸۲)، دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط- توأم با خرسندی کم- مرتبط است. اشخاص ایمن به راحتی روابط نزدیک برقرار می‌کنند، تنش‌های پیرامونی را به خوبی تحمل می‌نمایند، قدرت بیان هیجان‌های خود را دارند و در شرایط درماندگی به حمایت اطرافیان تکیه می‌کنند. در این افراد، خصومت و اضطراب کمتر و انعطاف پذیری بیشتری دیده می‌شود و از هماهنگی بیشتر با واقعیت برخوردارند.

هاریسون گریر و لی آنی (۱۹۹۱)، نقل از اکبرزاده عبدالجبار و همکاران، ۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "سبک‌های دلبستگی در روابط زناشویی"، سبک‌های دلبستگی ترسناک یا بیمناک، منفصل، پریشان و ایمن

1emotion regulation
2Vimz & Pina
3Thompson
4Gross
5 Extremera & Fernandez
6 Vadnais

را در افراد مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاکی از آن بود که سبک دلبستگی در بزرگسالی با متغیرهای رفتار دلبستگی و نگرش‌ها، رضایت‌مندی زناشویی، صمیمیت و مشکلات بین‌فردی افراد مرتبط بود. همچنین، بنابر نتایج پژوهش‌ها، دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط، توأم با خرسندی کم، مرتبط است (فنی و نولر، ۱۹۹۰). افراد اجتنابی بیش از دوسوگراها به پایان بخشیدن روابط تمایل نشان می‌دهند (هازن و شیور، ۱۹۸۷؛ فنی و نولر، ۱۹۹۰). در پی انحلال روابط پیشین، بازسازی روابط جدید نیز برحسب الگوی دلبستگی فرد متفاوت است. اجتناب‌گراها با ازمیان رفتن یک رابطه، کمتر از دوسوگراها مضطرب و پریشان می‌شوند (سیمپسون، ۱۹۹۰). گروه اخیر به سرعت به برقراری روابط جدید اقدام می‌کنند (فنی و نولر، ۱۹۹۰).

علاوه بر رشد مثبت طلاق، جامعه کنونی ما شاهد رشد آمارهای مربوط به جرایم و دعاوی خانوادگی نیز بوده است (موسوی چلک، ۱۳۸۳؛ نقل از میرمحمدصادقی، ۱۳۸۴). بنابراین، پژوهش در زمینه ملاک انتخاب همسر می‌تواند امروزه که شاهد افزایش آمار طلاق (علیزاده، ۱۳۸۵) هستیم، از اهمیت ویژه برخوردار باشد و با توجه به اینکه ملاک‌های انتخاب همسر می‌توانند رضایت از زندگی را پیش‌بینی کنند (وبر ۲ و راج ۳، ۲۰۱۲)، در نتیجه انتخاب همسری مناسب، یکی از مهم‌ترین تکالیف دوران بزرگسالی است که می‌تواند به ازدواجی پایدار توأم با رضایت بیانجامد. نتایج پژوهش‌های زیادی، استمرار و تداوم سبک دلبستگی را در چرخه زندگی تایید می‌کنند (فریلی، ۴، ۲۰۰۲؛ مین، ۵، کاپلان، ۶ و کسیدی، ۷، ۱۹۸۵؛ نافتل، ۸ و شیور، ۲۰۰۶؛ به ۲۰۰۶؛ به نقل از رحیمیان بوگر و همکاران، ۱۳۸۷) و از آنجا که پژوهشگرانی مثل یو، ماتسوموتو و لیروکس (۲۰۰۶) ۹ تنظیم هیجان‌ها را مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده سازگاری مثبت دانسته‌اند و با توجه به ارتباط مشاهده شده بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم و پردازش هیجانات (شیور، شاخنر و میکولینسر، ۲۰۰۵) و به دلیل خلاء وجود مطالعات، ضرورت و اهمیت مطالعه سبک دلبستگی و همچنین تنظیم هیجانات در انتخاب همسر احساس می‌شود. در این پژوهش سوال اصلی این بود:

سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان با هم چه مقدار از واریانس ملاک‌های انتخاب همسر را در دانشجویان دختر و پسر مجرد دانشگاه خوارزمی پیش‌بینی می‌کنند؟

-
- 1 Simpson
 - 2 Weber
 - 3 Ruch
 - 4 Fraley
 - 5 Main
 - 6 Kaplan
 - 7 Cassidy
 - 8 Noftle
 - 9 Yoo, Matsumoto & Le Roux

روش شناسی پژوهش

طرح پژوهش از نوع توصیفی (غیرآزمایشی) می‌باشد و چون به کشف روابط بین متغیرها می‌پردازد، می‌توان آن را از نوع پژوهش‌های همبستگی دانست. جامعه پژوهش حاضر، تمامی دانشجویان دختر و پسری بودند که در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در دانشگاه خوارزمی مشغول به تحصیل بودند و تعدادشان ۵۱۶۰ نفر گزارش شد (دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۲). از بین این افراد، نمونه‌ای به حجم ۲۵۰ نفر (۱۲۵ دختر و ۱۲۵ پسر) دانشجوی مجرد دوره کارشناسی، به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری به این صورت بود که ابتدا از میان دانشکده‌های دانشگاه خوارزمی، ۳ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، روانشناسی و علوم تربیتی و علوم پایه به صورت تصادفی ساده انتخاب و سپس از هر دانشکده ۳ کلاس به صورت تصادفی ساده به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. از بین افراد انتخاب شده ۱۲۷ نفر مونث و ۱۴۱ نفر مذکر بودند. جهت کاهش خطای واریانس، حجم دو گروه دختر و پسر برابر و ۱۲۵ نفر در نظر گرفته شد. در فرایند گردآوری داده‌ها، پژوهشگر پس از کسب رضایت و توضیح فرایند پژوهش به شرکت‌کننده‌ها، پرسشنامه‌ها را بین آنها توزیع می‌کرد. در طول پاسخدهی شرکت‌کننده‌ها، پژوهشگر حضور فعال داشت تا از بروز پاسخ‌های تصادفی جلوگیری نماید و در صورت لزوم به پرسش‌های آنها پاسخ دهد. در نهایت، داده‌های جمع‌آوری شده با روش‌های ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و آزمون t مستقل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

به منظور گردآوری اطلاعات در این پژوهش از سه پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد:

- پرسشنامه ملاک‌های انتخاب همسر (فراهانی و عابدی، ۱۳۸۵)

این پرسشنامه ۳۸ ماده دارد که مشخص‌کننده سه عامل می‌باشد. ۱۵ ماده مربوط به عامل (اول) وظیفه‌شناسی، ۱۳ ماده نشانگر عامل (دوم) برون‌گرایی و ۱۰ ماده نیز مربوط به عامل (سوم) عینی می‌باشد. جهت بررسی اهمیت سن در انتخاب همسر، دو ماده با عنوان «جوانتر از من» و «بزرگتر از من» به صورت مستقل در پرسشنامه قرار دارد. پرسشنامه به صورت گروهی یا انفرادی اجرا گردید و زمان متوسط برای آن ۱۵ دقیقه بود. سوال‌های مربوط به سه عامل به صورت پراکنده در یک پرسشنامه به آزمودنی ارائه و آزمودنی‌ها میزان اهمیت خود به هر یک از ملاک‌ها را در مقیاس ۵ درجه‌ای (اصلاً مهم نیست = ۱؛ مهم نیست = ۲؛ فرقی نمی‌کند = ۳؛ مهم است = ۴؛ بسیار مهم است = ۵) مشخص نمودند. نمره هر عامل به صورت میانگین نمرات داده شده به ملاک‌های موجود در آن عامل مشخص می‌گردد. پایایی پرسشنامه ملاک‌های انتخاب همسر، در یک بازآزمایی در گروهی شامل ۲۶ دانشجوی دختر و پسر، با فاصله زمانی دو هفته بررسی شد. ضرایب پایایی پرسشنامه در بازآزمایی به ترتیب برای عامل اول، دوم و سوم ۰/۸۴۵، ۰/۹۳، ۰/۷۸۴ می‌باشد. همانگونه که ملاحظه می‌گردد نتایج، ضرایب همبستگی بالایی را نشان می‌دهد.

ضرایب آلفای کروناخ به دست آمده برای عامل اول، دوم و سوم به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۸۰، ۰/۶۵ می باشد (عابدی، ۱۳۸۶).

به منظور بررسی روایی سازه پرسشنامه مذکور از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده که نتایج نشان می دهد این آزمون با سه عامل خود (وظیفه شناسی، برون گرایی، عینی) همبستگی بالایی دارد. همچنین، مناسب ترین عامل ها در این آزمون از روش مولفه های اصلی و چرخش وریماکس استخراج شدند که نتایج نشان داد عامل اول با ارزش ویژه حدود ۹/۸۷۴ به تنهایی ۲۰/۵۷۱ درصد واریانس را تبیین می کند و در مجموع سه عامل روی هم ۳۱/۹۴۱ درصد واریانس را تبیین می کنند (عابدی، ۱۳۸۶).

• پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (۱۹۹۰)

این مقیاس شامل خودارزیابی از مهارت های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ ماده می باشد که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای از نوع لیکرت - که از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد = ۱، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد = ۵، تشکیل می گردد - سنجیده می شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است مشخص می شود:

- وابستگی ۱ (D): میزانی را که آزمودنی ها به دیگران اعتماد می کنند و به آنها متکی می شوند، به این صورت که آیا در مواقع لزوم قابل دسترسی اند، اندازه گیری می کند.

- نزدیک بودن ۲ (C): میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه گیری می کند.

- اضطراب ۳ (A): ترس از داشتن رابطه را می سنجد (مالینکرودت ۴ و همکاران؛ نقل از جعفرزاده، ۱۳۸۹).

کولینز و رید (۱۹۹۰؛ نقل از جعفرزاده، ۱۳۸۹) بر پایه توصیف هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده اند. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی - دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دوقطبی است که اساساً توصیف های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می دهد. بنابراین، نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن می باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. مدت اجرای پرسشنامه کولینز و رید (RAAS) بر اساس زمینه یابی انجام شده ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شده است. اجرای این پرسشنامه می تواند به صورت فردی یا گروهی صورت گیرد. براساس

1 dependance
2 closeness
3 anxiety
4 Mallincrodet

دستورالعمل پرسشنامه، ۶ ماده مربوط به هر زیر مقیاس مشخص می‌شود. با توجه به اینکه در مورد هر جمله در پاسخنامه، آزمودنی علامت خود را روی کدام دایره زده است، نمره وی برای هر زیر مقیاس مشخص می‌شود. برای گزینه‌های ۱ تا ۵ به ترتیب نمرات ۰ تا ۴ در نظر گرفته می‌شود. سوالات ۶، ۱*، ۸*، ۱۳، ۱۲، ۱۷* دلبستگی ایمن را می‌سنجند. سوالات ۵*، ۲، ۱۶*، ۱۴، ۷، ۱۸* دلبستگی اجتنابی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و سرانجام سوالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵ دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی را می‌سنجد. در مواردی که سوالات باید معکوس نمره گذاری شود (که در دستورالعمل نمره گذاری با علامت * مشخص شده‌اند) باید بر روی گزینه‌های ۱ تا ۵ به ترتیب نمرات ۴، ۳، ۲، ۱ و صفر در نظر گرفته شود. سوالاتی که با ستاره مشخص شده‌اند بایستی قبل از جمع کردن به طور معکوس نمره گذاری شوند. نمرات ۶ ماده هر مقیاس با هم جمع شده و نمره زیر مقیاس به دست می‌آید. کولینز و رید (۱۹۹۰)، نقل از جعفرزاده، (۱۳۸۹) نشان دادند که زیر مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار ماندند و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیر مقیاس این پرسشنامه در ۳ نمونه از دانشجویان گزارش دادند. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از ۰/۸۰ بود، آزمون از اعتبار بالایی برخوردار می‌باشد. از سوی دیگر، در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان اعتبار آزمون با استفاده از آزمون مجدد به صورت همبستگی بین این دو اجرا مشخص شده است. این پرسشنامه (RAAS) در مورد ۱۰۰ دختر و پسر کلاس دوم دبیرستان که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، اجرا گردید. نتایج حاصل از دو بار اجرای این پرسشنامه با فاصله زمانی یک ماه از یکدیگر بیانگر آن بود که این آزمون در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است - این پرسشنامه دارای روایی محتوایی می‌باشد (پاکدامن، ۱۳۸۰).

• خرده مقیاس تنظیم هیجانی پرسشنامه هوش هیجانی شات (۱۹۹۸)

در این پژوهش از خرده مقیاس تنظیم هیجانی پرسشنامه هوش هیجانی شات که توسط شات و همکاران در سال ۱۹۹۸ ساخته شده، استفاده گردید. این مقیاس شامل سه مؤلفه تنظیم هیجان، ارزیابی و بیان هیجان و بهره‌برداری از هیجان می‌باشد که در این پژوهش از مؤلفه تنظیم هیجان این مقیاس استفاده شد. این مؤلفه شامل سوالات ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۰ و ۳۱ می‌باشد. کلیه سوالات این آزمون ۵ درجه‌ای بوده و آزمودنی درجه توافق یا مخالفت خود را با هر جمله در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت که از کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۵ است، انتخاب می‌کند. تمام سوالات خرده مقیاس تنظیم هیجان نیز به همین ترتیب نمره‌گذاری و به هر سوال از یک تا پنج نمره‌دهی می‌شود و نمره کل این خرده مقیاس از جمع نمرات این ده سوال به دست می‌آید. نمره افراد در این خرده مقیاس می‌تواند از ۱۰ تا ۵۰ متغیر باشد. مطالعه این مقیاس در میان نوجوانان پایایی آلفای ۰/۸۴ برای هوش هیجانی کل و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب: ارزیابی و ابراز هیجان آلفا برابر با ۰/۷۶؛ تنظیم و مدیریت هیجان آلفا برابر با ۰/۶۶ و بهره‌برداری از هیجان

آلفا برابر با ۰/۵۵ را نشان می‌دهد (سیاروچی ۱ و همکاران، ۲۰۰۰). در مطالعه‌ای که بر روی نوجوانان کانادایی انجام شد، به منظور بررسی روایی و پایایی هوش هیجانی شات ۳۵۴ نفر (۲۳۵ نفر زن و ۱۱۹ نفر مرد با میانگین سنی ۲۱/۴) انتخاب شدند و همبستگی مقیاس هوش هیجانی شات با مقیاس روان‌نژندی ۰/۳۷، برون‌گرایی ۰/۵۱، باز بودن ۰/۲۷، سازندگی ۰/۱۸، وظیفه‌شناسی ۰/۳۸، و مستعدافسردگی ۰/۳۸ (p<۰/۰۰۱) و پایایی آزمون $a=0/89$ گزارش شد (اسکات و ماتيو، ۲۰۰۴؛ نقل از جواهری کامل، ۱۳۸۵). خسرو جاوید (۱۳۸۱؛ نقل از جواهری کامل، ۱۳۸۵) همبستگی نمرات هوش هیجانی شات را با افسردگی ۰/۳۳، اضطراب ۰/۲۵ - (p<۰/۰۱) و آلکسی تایمیا (p<۰/۰۵) گزارش نمود. همچنین، پایایی آزمون را با استفاده از آلفای کرونباخ در هوش هیجانی کل ۰/۸۱، تنظیم هیجان ۰/۷۸، ارزیابی و ابراز هیجان ۰/۶۷ و بهره برداری از هیجان ۰/۵۰ گزارش نمود. بشارت (۱۳۸۴؛ نقل از مهدوی حاجی، ۱۳۸۹) با به کارگیری مقیاس مذکور در نمونه ۱۳۵ نفری از دانشجویان ایرانی، ضریب اعتبار آزمون را با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۸ و ضریب بازآزمایی (با فاصله دو هفته) را برابر ۰/۸۳ گزارش کرده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

در این پژوهش، دامنه سنی کل آزمودنی‌ها بین ۱۸-۲۲ بود. میانگین و انحراف استاندارد سن آن‌ها به ترتیب ۱۹/۷۰ و ۱/۲۸ بود. همچنین، ۵۰ درصد آزمودنی‌ها مذکر (۱۲۵ نفر) و ۵۰ درصد آن‌ها مونث (۱۲۵ نفر) بودند.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت

مونث		مذکر		متغیرها
SD	M	SD	M	
۴/۷۷	۴۲/۰۱	۴/۶۴	۲۵/۴۱	تنظیم هیجان
۲/۶۸	۱۲/۵۴	۳/۱۰	۱۲/۴۸	دلبستگی ایمن
۲/۸۳	۱۳/۵۲	۲/۶۶	۱۳/۳۶	دلبستگی اجتنابی
۵/۳۵	۱۰/۹۲	۵/۱۰	۱۳/۱۷	دلبستگی دوسوگر-اضطرابی
۴/۳۹۹	۶۶/۹۳	۴/۴۴۷	۶۴/۵۱	وظیفه‌شناسی
۴/۷۷۸	۵۷/۷۰	۴/۱۸۱	۵۸/۰۷	برون‌گرایی
۵/۰۶۸	۳۸/۳۸	۴/۷۱۶	۳۸/۰۶	عینی

جدول ۲: ماتریس همبستگی تنظیم هیجان، دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی، دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی، و ملاک های

انتخاب همسر شامل وظیفه شناسی، برون گرایی و عینی

متغیر	تنظیم- هیجان	دلبستگی ایمن	دلبستگی اجتنابی	دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی	وظیفه-شناسی	برون-گرایی	عینی
تنظیم هیجان	۱						
دلبستگی ایمن	** ۰/۳۸۲	۱					
دلبستگی اجتنابی	۰/۱۰۵	-۰/۰۳۶	۱				
دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی	۰/۱۳۸	-۰/۱۴۰	** -۰/۲۸۲	۱			
وظیفه شناسی	** ۰/۳۸۸	** ۰/۲۰۱	-۰/۰۱۶	-۰/۰۴۳	۱		
برون گرایی	** ۰/۲۹۸	** ۰/۲۹۲	-۰/۰۵۰	-۰/۰۳۸	** ۰/۶۵۹	۱	
عینی	** ۰/۲۰۸	** ۰/۲۶۱	۰/۰۰۱	-۰/۱۳۵	** ۰/۵۰۴	** ۰/۵۸۷	۱

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود (** $P < 0.01$) تنظیم هیجان با هر سه ملاک انتخاب همسر همبستگی مثبت دارد (از بین سه ملاک، بیشترین همبستگی را ملاک وظیفه شناسی با تنظیم هیجان داراست). همچنین، از بین سبک های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن با هر سه ملاک انتخاب همسر همبستگی مثبت دارد (از بین سه ملاک، بیشترین همبستگی را ملاک برون گرایی با سبک دلبستگی ایمن دارا می باشد).

یافته های استنباطی

برای تعیین پیش بینی هر یک از متغیرهای سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و تنظیم هیجان بر ملاک های انتخاب همسر، این متغیرها به روش گام به گام وارد معادله رگرسیون شدند.

جدول ۳: نتایج شاخص های آماری رگرسیون گام به گام ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی بر تنظیم هیجانی و

سبک های دلبستگی

مدل	متغیرها	SS	Df	MS	F	R	SE
گام ۱	تنظیم هیجانی	۳۱۶/۴۸	۱	۳۱۶/۴۸	۱۹/۸۷	۰/۳۸	۰/۱۴
گام ۲	تنظیم هیجانی، دوسوگرا	۵۱۳/۷۰	۲	۲۵۶/۸۵	۱۷/۸۶	۰/۴۸	۰/۲۳

با توجه به مندرجات موجود در جدول ۳، میزان F مشاهده شده معنادار است. تنظیم هیجانی و دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی با هم توانستند ۲۳ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر وظیفه شناسی را تبیین کنند که از این مقدار ۱۴ درصد آن به تنظیم هیجان اختصاص دارد.

جدول ۴: نتایج شاخص‌های آماری رگرسیون گام به گام ملاک انتخاب همسر برون‌گرایی بر تنظیم هیجانی و

سبک‌های دلبستگی

مدل	متغیرها	SS	DF	MS	F	R	SE
گام ۱	تنظیم هیجانی	۳۱۸/۷۴	۱	۳۱۸/۷۴	۱۹/۱۵	۰/۳۹	۴/۰۷
گام ۲	تنظیم هیجانی، دوسوگرا- اضطرابی	۴۰۹/۰۰	۲	۲۰۴/۵۰	۱۲/۸۳	۰/۴۴	۳/۹۹
گام ۳	تنظیم هیجانی، دوسوگرا- اضطرابی، اجتنابی	۵۲۷/۰۹	۳	۱۷۵/۶۹	۱۱/۷۶	۰/۵۰	۳/۸۶

با توجه به مندرجات موجود در جدول ۴ میزان F مشاهده شده معنادار است. تنظیم هیجانی، دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی و دلبستگی اجتنابی با هم توانستند ۲۵ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر برون‌گرایی را تبیین کنند که از این مقدار، ۱۵ درصد آن به تنظیم هیجان اختصاص دارد.

جدول ۵: نتایج شاخص‌های آماری رگرسیون گام به گام ملاک انتخاب همسر عینی بر تنظیم هیجانی و سبک‌های

دلبستگی

مدل	متغیرها	SS	DF	MS	F	R	SE
گام ۱	دوسوگرا- اضطرابی	۲۲۵/۰۱	۱	۲۲۵/۰۱	۸/۵۳	۰/۲۶	۵/۱۳
گام ۲	دوسوگرا- اضطرابی، اجتنابی	۴۵۷/۱۰	۲	۲۲۸/۵۵	۹/۳۲	۰/۳۷	۴/۹۵
گام ۳	دوسوگرا- اضطرابی، اجتنابی، ایمن	۵۶۷/۰۳	۳	۱۸۹/۰۱	۷/۹۶	۰/۴۲	۴/۸۷

با توجه به مندرجات موجود در جدول ۵ میزان F مشاهده شده معنادار است. سبک‌های دلبستگی دوسوگرا- اضطرابی، اجتنابی و ایمن با هم توانستند ۱۷ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر عینی را تبیین کنند.

جدول ۶: آزمون t مستقل برای مقایسه میانگین مردان و زنان

P	t	DF	SD		M		N		ملاک‌های انتخاب همسر
			زن	مرد	زن	مرد	زن	مرد	
۰/۰۰۱	-۴/۲۸	۲۴۲	۴/۳۹	۴/۴۴	۶۶/۹۳	۶۴/۵۱	۱۲۲	۱۲۲	وظیفه‌شناسی
۰/۵۳	۰/۶۲	۲۱۷	۴/۷۷	۴/۱۸	۵۷/۷۰	۵۸/۰۷	۱۱۲	۱۰۷	برون‌گرایی
۰/۶۲	-۰/۴۸	۲۲۷	۵/۰۶	۴/۷۱	۳۸/۳۸	۳۸/۰۶	۱۱۷	۱۱۲	عینی

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه‌ی میانگین گروه مردان و زنان از لحاظ ملاک‌های انتخاب همسر نشان داد که دو گروه فقط از لحاظ ملاک انتخاب همسر وظیفه‌شناسی با هم تفاوت معنادار داشتند؛ به این صورت که زنان در این ملاک میانگین بیشتری نسبت به مردان داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک‌های انتخاب همسر در دانشجویان مجرد دانشگاه خوارزمی انجام شد. در اینجا به پاسخگویی به سوالات تحقیق می‌پردازیم:

آیا تنظیم هیجانی با ملاک‌های انتخاب همسر همبستگی دارد؟

بله. همانطور که نتایج نشان داد همبستگی مثبت بین تنظیم هیجان به ترتیب با هر سه مولفه وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی ملاک انتخاب همسر در سطح ۰,۰۱ وجود داشت؛ بدین معنا که هر چه قدرت تنظیم هیجان در فرد بیشتر باشد، اهمیت به ملاک‌های وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی انتخاب همسر نیز در وی افزایش می‌یابد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های پیشین که نشان دادند هیجان و تنظیم آن بر انتخاب همسر، ازدواج و رضایت و سازگاری زناشویی تاثیر دارد (تیرگری و همکاران، ۱۳۸۳؛ شات و همکاران، ۲۰۰۱؛ هامپل، ۲۰۰۲؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷؛ اورتس و همکاران، ۲۰۰۸؛ اسمیت و سیاروچی، ۲۰۰۸؛ نقل از فدوی، ۱۳۸۹؛ اکسترمر و فرناندز، ۲۰۰۵؛ واندياس، ۲۰۰۵؛ یاریاری، مرادی و یحیی زاده، ۱۳۸۶؛ رهنما، ۱۳۸۱؛ مایر، سالووی و کارسو، ۱۹۹۹) همسو می‌باشد. همچنین، این نتیجه با نتایج تحقیقات پیشین (آیزن و همکاران، ۱۹۹۱؛ استرادا، ۱۹۹۷؛ نقل از مهدوی حاجی، ۱۳۸۹) نیز همسو بود که نشان دادند هیجان نقش موثری در فرآیند تصمیم‌گیری انتخاب همسر دارد. طبق گفته دانیل گلمن^۱، هوش هیجانی نقش مهمی در برقراری و ادامه ارتباطات بازی می‌کند. بنابراین می‌توان انتظار داشت فردی

1 Daniel Goleman

با هوش هیجانی بالا که در ارتباطات اجتماعی و همچنین در ارتباطات نزدیک موفق تر است، در ارتباطات زناشویی نیز بهتر عمل کند. هاتفیلد ۱ و هم‌نظران وی (۱۹۷۸، ۱۹۸۸؛ نقل از نوری و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰) بر این اعتقادند که عشق، هیجانی بر پایه سیستم بیوفیزیولوژیکی انسان است که در این مورد با نخستینها مشابه است. از آنجایی که وظایف عشق عبارت اند از: ۱- جذب یک همسر، ۲- حفظ همسر، ۳- تولید مثل، ۴- سرمایه گذاری والدی (باس، ۱۹۸۸؛ سونسون، ۱۹۷۲؛ نقل از نوری و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰)، آنچه پس از بحث عشق مطرح می‌گردد، مبحث ازدواج است. از آنجا که انتخاب معیار یا همان ارزش‌ها و ملاک‌های کلی فرد در مورد ازدواج Tیکی از انتخاب‌های مهم فرد در عرصه زندگی خویش است که رنگ و بویی احساسی نیز دارد (نوری و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰) بنابراین تفوق و برتری در معیارهای ازدواج و انتخاب همسر افراد مجرد با تنظیم هیجان می‌باشد. در مجموع، به نظر می‌رسد تنظیم هیجان‌ات که یکی از مولفه‌های هوش هیجانی است، باعث می‌شود که فرد در مواقع حساس به خوبی بتواند هیجان‌ات خود را کنترل کند و سازگار با موقعیت، واکنش نشان دهد. دور از انتظار نیست که افرادی با چنین خصوصیتی در انتخاب همسر دقت بیشتری داشته باشند و ملاک‌های وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی را در انتخاب همسر مد نظر قرار دهند.

آیا سبک‌های دلبستگی با ملاک‌های انتخاب همسر همبستگی دارد؟

بله. تنها دلبستگی ایمن همبستگی دارد. نتایج نشان داد از میان سبک‌های دلبستگی، بین دلبستگی ایمن به ترتیب با هر سه مولفه وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی ملاک انتخاب همسر در سطح ۰٫۰۱ ارتباط مثبت وجود دارد. افزایش نمره دلبستگی ایمن در افراد، باعث افزایش ترجیح ملاک‌های انتخاب همسر وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی در آنها می‌شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت هر چه فرد ویژگی‌های دلبستگی ایمن را بیشتر دارا باشد، در انتخاب همسر بهتر عمل می‌کند و اهمیت او به ملاک‌های انتخاب همسر (شامل وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی) بیشتر می‌شود. این نتیجه با پژوهش‌های پیشین (بلسکی، ۱۹۹۴؛ چیشولم، ۱۹۹۶؛ دراپر و هارپندینگ، ۱۹۸۸؛ نقل از اشمیت، ۲۰۰۵؛ هازان و شیور، ۱۹۸۷؛ سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۲؛ برک، ۲۰۰۲) که بیان می‌داشتند تجربیات دوران کودکی و دلبستگی، راهبردهای انتخاب همسر در بزرگسالی را تحت تاثیر قرار می‌دهند، همسو بود. از نظر اینسورث (۱۹۷۸)، نقل از خانجانی و همکاران، (۱۳۹۱) دلبستگی برای رشد روانی و عادی، تحول شخصیت بهنجار و روابط هیجانی سالم ضروری است و دلبستگی، اساس سلامت هیجانی، روابط اجتماعی و نگرش بهنجار فرد به دنیا تلقی می‌شود. همانطور که پاراد، لیرکز و بلانکسون (۲۰۱۰) گزارش کرده اند، دلبستگی ایمن موجب کاهش اضطراب اجتماعی و سرانجام ایجاد روابط صمیمی با دیگران می‌شود. براساس مبانی شکل‌گیری سبک دلبستگی، کودکان ایمن به دسترس‌پذیری مادر بیشتر اعتماد دارند و بیش از کودکان نایمن (اجتنابگر،

دوسوگرا) از وی به عنوان پایگاه امن استفاده می‌کنند. هنگام بازگشت مادر پس از جدایی کوتاه‌مدت، کودکان ایمن با وی به سهولت تماس و تعامل برقرار می‌کنند. از سوی دیگر، تداوم سبک‌های دلبستگی در ادامه زندگی، بعد از کودکی و در بزرگسالی تایید شده است (اینسورث و دیگران، ۱۹۷۸؛ بالبی، ۱۹۸۸؛ بشارت، ۱۳۹۱؛ واترز و دیگران، ۲۰۰۰؛ نقل از بشارت و همکاران، ۱۳۹۲). افراد دارای سبک ایمن، ارتباط با دیگران برایشان آسان است و از اینکه به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آنها تکیه کنند، احساس راحتی می‌کنند. این افراد از اینکه دیگران آنها را ترک کنند و یا خیلی به آنها نزدیک شوند، احساس نگرانی نمی‌کنند. اینسورث نیز رفتار دلبستگی در روابط بزرگسالی را به عنوان اساس پدیده ایمنی در هسته زندگی انسان مورد تأکید قرار داد. او اظهار داشت که دلبستگی ایمن، عملکرد و شایستگی را در روابط بین فردی تسهیل می‌کند. برای مثال T کودکانی که دلبستگی شدید به مادرشان دارند، در آینده از لحاظ اجتماعی برون‌گرا هستند، به محیط اطراف توجه نشان می‌دهند، تمایل به کاوش در محیط اطرافشان دارند و می‌توانند با مسائل مقابله کنند. طبق نظر بالبی، کیفیت دلبستگی در طول زمان ثابت است و پیش‌بینی‌کننده مناسبی، برای کیفیت روابط بین شخصی (همسالان، دوستان و روابط با غیرهمجنس) می‌باشد (نقل از موسوی، ۱۳۸۸). افراد با سبک دلبستگی ایمن، احساس خوشحالی، دوستی و اطمینان در روابط نزدیک خود می‌کنند. آنان عزت نفس بالایی دارند و احساس می‌کنند دیگران آنان را دوست داشته و به آنان اهمیت می‌دهند. سبک دلبستگی ایمن، مربوط به میل برای قدردانی کردن، توجه نشان دادن و قربانی کردن خود برای افراد با اهمیت می‌باشد. افراد با سبک ایمن، با اعتماد، نزدیکی و وابستگی، احساس راحتی می‌کنند، زیرا از دیگران توقع دارند با پذیرش، نزدیکی و حمایت پاسخ دهند (کلینک، ترجمه گودرزی، ۱۳۸۲، نقل از موسوی، ۱۳۸۸). به نظر می‌رسد این خصوصیات افراد با دلبستگی ایمن باعث می‌شود که آن‌ها در انتخاب همسر دقت بیشتری داشته باشند و به ملاک‌های ارزنده وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی انتخاب همسر بیشتر اهمیت دهند.

آیا سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان می‌توانند با هم ملاک‌های انتخاب همسر را پیش‌بینی کنند؟

بله. به طور کلی هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک‌های انتخاب همسر بود. نتایج نشان دادند که سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان، پیش‌بینی‌کننده ملاک‌های انتخاب همسر هستند. همان‌گونه که در جداول ۳ و ۴ و ۵ مشاهده می‌شود، تنظیم هیجان و دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی با هم توانستند ۲۳ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر وظیفه‌شناسی؛ تنظیم هیجانی، دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی و دلبستگی اجتنابی با هم توانستند ۲۵ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر برون‌گرایی؛ دلبستگی دوسوگرا-اضطرابی، اجتنابی و ایمن با هم توانستند ۱۷ درصد از واریانس ملاک انتخاب همسر عینی را پیش‌بینی کنند. این نتایج همسو با پژوهش‌های پیشین (بلسکی، ۱۹۹۴؛ چیشولم، ۱۹۹۶؛ دراپر و هارپندینگ، ۱۹۸۸؛ نقل از اشمیت، ۲۰۰۵؛ هازان و شیور، ۱۹۸۷؛ سیمپسون

و همکاران، ۱۹۹۲؛ برک، ۲۰۰۲) هستند که بیان داشتند تجربیات دوران کودکی و دلبستگی، راهبردهای انتخاب همسر در بزرگسالی را تحت تاثیر قرار می‌دهند. همچنین، این نتایج با نتایج پژوهش‌های گذشته (تیرگری و همکاران، ۱۳۸۳؛ شات و همکاران، ۲۰۰۱؛ هامپل، ۲۰۰۲؛ اسمیت و همکاران، ۲۰۰۷؛ اورتس و همکاران، ۲۰۰۸؛ اسمیت و سیاروچی، ۲۰۰۸؛ نقل از فدوی، ۱۳۸۹؛ اکسترمر و فرناندز، ۲۰۰۵؛ واندياس، ۲۰۰۵؛ یاریاری، مرادی و یحیی زاده، ۱۳۸۶؛ رهنما، ۱۳۸۱؛ مایر، سالووی و کارسو، ۱۹۹۹) نیز همسو و سازگار هستند که نشان دادند هیجان و تنظیم آن بر انتخاب همسر، ازدواج و رضایت و سازگاری زناشویی تاثیر دارد.

همسو با برخی دیگر از پژوهش‌ها (فنی و نولر، ۱۹۹۰) به نظر می‌رسد خصوصیات افراد با دلبستگی ایمن که در مقدمه به آن اشاره شد، باعث می‌شود که آن‌ها در انتخاب همسر دقت بیشتری داشته باشند و به ملاک‌های ارزنده انتخاب همسر بیشتر اهمیت دهند.

همچنین، همسو با پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۱) به نظر می‌رسد مشکلاتی که در افراد با دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا-اضطرابی وجود دارد مانع از این می‌شود که این افراد در امر انتخاب همسر، ملاک‌های وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی را مد نظر قرار بدهند و احتمالاً این افراد ملاک‌های فرعی و غیر ضروری انتخاب همسر را در نظر می‌گیرند.

در مورد پیش بینی ملاک‌های انتخاب همسر توسط تنظیم هیجان، همانطور که در سوال اول مطرح شد باید گفت از آنجا که انتخاب معیار یا همان ارزش‌ها و ملاک‌های کلی فرد در مورد ازدواج یکی از انتخاب‌های مهم فرد در عرصه زندگی خویش است که رنگ و بویی احساسی نیز دارد (نوری و جان‌بزرگی، ۱۳۹۰)، بنابراین تفوق و برتری در معیارهای ازدواج و انتخاب همسر افراد مجرد با تنظیم هیجان می‌باشد. در مجموع، به نظر می‌رسد تنظیم هیجان‌ها که یکی از مولفه‌های هوش هیجانی است باعث می‌شود که فرد در مواقع حساس به خوبی بتواند هیجان‌ها را کنترل کند و سازگار با موقعیت، واکنش نشان دهد. دور از انتظار نیست که افرادی با چنین خصوصیتی در انتخاب همسر دقت بیشتری داشته باشند و ملاک‌های وظیفه‌شناسی، برون‌گرایی و عینی را در انتخاب همسر مد نظر قرار دهند.

آیا مردان و زنان از لحاظ ملاک‌های انتخاب همسر با هم تفاوت دارند؟

بله، از لحاظ مولفه وظیفه‌شناسی تفاوت وجود داشت. نتایج آزمون t مستقل جهت مقایسه میانگین گروه مردان و زنان از لحاظ ملاک‌های انتخاب همسر پژوهش کنونی نشان داد که دو گروه فقط از لحاظ ملاک انتخاب همسر وظیفه‌شناسی - که در مقدمه توضیح داده شد- با هم تفاوت معنادار داشتند. عامل وظیفه‌شناسی ملاک انتخاب همسر شامل صفات با اعتماد به نفس، وظیفه‌شناس، بالغ و پخته، قابل اعتماد، باهوش و زیرک، توانا در کسب درآمد، دارای ثبات رأی، دارای انگیزه پیشرفت، مرتب و منظم، منطقی،

مستقل، دین دار، مسئله گشا، وفادار و متعهد، موفق و کارآمد می باشد که به نظر می رسد صفاتی فردی، درونی و ذهنی می باشند. پژوهش کنونی نشان داد که زنان در این ملاک، میانگین بیشتری نسبت به مردان داشتند. این نتیجه با پژوهش های پیشین که تفاوت های جنسی در انتخاب همسر را نشان دادند (برای مثال سانتراک ۱، ۱۹۹۸؛ بم ۲، ۱۹۹۸؛ تاون سند ۳، ۱۹۸۹؛ گرینلز ۴ و مکگرو ۵، ۱۹۹۴؛ نقل از عابدی، ۱۳۸۶؛ باس و بارنس، ۱۹۸۶؛ کنریک و تروست، ۱۹۹۳؛ باس و اشمیت، ۱۹۹۳؛ ایگلی و وود، ۱۹۹۹؛ ایگلی و وود، ۲۰۰۲؛ باس، ۱۹۹۸ به ویرایش پروین و کوپر، ۱۹۹۸؛ باس، ۱۹۸۹؛ ۱۹۹۳؛ اشمیت، ۲۰۰۳) سازگار بود. همچنین، این نتیجه با نتایج باداهده ۶ و تیمن ۷ (۲۰۰۵) همسو بود که اثر تفاوت جنس در ملاک های انتخاب همسر را نشان دادند. می توان این یافته را با الگوی سودمندی-افزایش دهی دیدگاه نقش اجتماعی تبیین کرد. این تفاوت معنادار بین دو جنس در این عامل در جهت تایید نظریه نقش اجتماعی و دیدگاه تکاملی می باشد که ملاک های انتخاب همسر را تحت تاثیر جنس و نقش های جنسی و مسئولیت والدینی آنها (کسب در آمد در مردان که از مولفه های ملاک وظیفه شناسی می باشد) می دانند.

در این پژوهش، محدوده سنی آزمودنی ها ۱۸-۲۲ بود. لذا تعمیم نتایج با محدودیت همراه است. با توجه به اینکه سن ازدواج بالا رفته است و شاید گروه ۱۸ تا ۲۲ سال به صورت جدی در مورد ازدواج فکر نکرده و امروزه در این سن، تازه هویت در حال شکل گیری می باشد، پیشنهاد می گردد پژوهشی مشابه در گروه سنی بالاتر انجام گردد. همچنین با توجه به اینکه پژوهشگر در جستجویی که انجام داد به تحقیقی در مورد رابطه سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان با ملاک های انتخاب همسر دست نیافت، لذا در زمینه ادبیات تحقیق و امکان مقایسه با پژوهش های دیگر محدودیت و خلاء بسیار وجود داشت.

در این پژوهش، متغیرهای درون فردی (سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان) به کار برده شده است. بررسی متغیرهای درون فردی با ثبات تری مثل صفات شخصیت و سبک های مقابله ای در کنار تنظیم هیجان می تواند میزان بیشتری از واریانس ملاک های انتخاب همسر را تبیین نماید. همچنین در این پژوهش، فقط افراد دانشجوی دوره کارشناسی مورد بررسی قرار گرفتند که پیشنهاد می گردد پژوهش در حوزه ای خارج از دانشگاه و با نمونه ای وسیع تر نیز مطالعه شود تا قابلیت تعمیم بیشتر به جامعه فراهم گردد. پیشنهاد می شود در مطالعه ای دیگر ملاک های افراد متاهل، قبل از ازدواجشان و بعد از ازدواج (که به نظر می رسد متفاوت شوند) بررسی گردد.

-
- 1 Santrock
 - 2 Bem
 - 3 Townsend
 - 4 Greenlees
 - 5 McGrew
 - 6 Badahdah
 - 7 Tiemann

در مشاوره‌های قبل از ازدواج می‌توان با تعیین سبک‌های دل‌بستگی و قدرت تنظیم هیجان افراد، ملاک‌های انتخاب همسرشان را پیش‌بینی کرد و در صورت نیاز، آموزش‌ها و آگاهی‌هایی داد تا در زندگی رضایت و سازگاری قابل ملاحظه‌ای داشته باشند. از آنجایی که روان‌شناسان معتقدند که دل‌بستگی به عنوان مهمترین ویژگی‌های شخصیتی انسان‌ها محسوب می‌شود، تلاش کنیم که آنها را به سبک دل‌بستگی ایمن سوق دهیم؛ چرا که دل‌بستگی توأم با امنیت، بهداشت روانی را افزایش می‌دهد و در انتخاب همسر و نگرش نسبت به ازدواج، مهارت حل تعارض و رضایت زناشویی تأثیر چشمگیری دارد. شناساندن راه‌های تنظیم هیجان به افراد نیز ضروری است، چرا که تنظیم هیجان، صرف نظر از چگونگی کسب آن، می‌تواند احساس امنیت خلقی بیشتری را برای فرد فراهم کند.

اکثر محققان ادعا کرده‌اند که هوش هیجانی، قابل آموزش دادن است و حتی مهم‌ترین مزیت هوش هیجانی در برابر هوش شناختی را این نکته می‌دانند که قابلیت‌های هیجانی اساسی، می‌توانند یاد گرفته شوند. بنابراین، مراجعه به مراکز مشاوره و روان‌درمانی جهت اقدام به یادگیری و بهبود هوش هیجانی پیشنهاد می‌شود.

- اکبرزاده عبدالجبار، حسن؛ حسین پورلنگرودی، فاطمه و مصباح، نسرين (۱۳۸۹) "بررسی رابطه سبک های دلبستگی با نگرش نسبت به ازدواج و مهارت حل تعارض در دانشجویان مجرد کارشناسی دانشگاه تهران". زن و مطالعات خانواده. سال دوم، شماره ۸.
- برک، لورا. ای (۱۳۸۷) روانشناسی رشد. یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران
- بشارت، محمدعلی؛ گلی نژاد، محمد و احمدی، علی اصغر (۱۳۸۲) «بررسی رابطه سبک های دلبستگی و مشکلات بین شخصی». مجله اندیشه و رفتار. شماره ۸ .
- بشارت، محمدعلی؛ محمدی حاصل، کورش؛ نیکفرجام، محمدرضا؛ ذبیح زاده، عباس و فلاح، محمدحسین (۱۳۹۲) "مقایسه سبک های دلبستگی در بیماران مبتلا به افسردگی، اختلال های اضطرابی و افراد عادی". روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی. سال نهم، شماره ۳۵.
- بشارت، محمدعلی؛ نوربخش، سیده نجمه؛ رستمی، رضا و فراهانی، حجت اله (۱۳۹۱) "نقش تعدیل کننده خودتنظیم گری در رابطه بین سبک های دلبستگی و شدت اختلال های مصرف مواد". مجله روانشناسی بالینی. سال ۴، شماره ۳.
- پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰) "بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی". پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه تهران.
- جعفرزاده، مهناز (۱۳۸۹) "رابطه بین سبک های دلبستگی و سبک های مقابله ای با رفتارهای پرخطر در دانشجویان". پایان نامه کارشناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- جواهری کامل، عابدین (۱۳۸۵) "بررسی ارتباط هوش هیجانی و سبک های دلبستگی در دانشجویان". پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- حیدری، علیرضا و اقبال، فرشته (۱۳۹۰) "رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز". یافته های نو در روانشناسی. سال پنجم، شماره ۱۵.
- خانجانی، زینب (۱۳۸۴) تکامل و آسیب شناسی دلبستگی از کودکی تا نوجوانی. تبریز: انتشارات فروزش
- خانجانی، زینب؛ حسینی نسب، سید داود؛ کاظمی، آمنه و پناه علی، امیر (۱۳۹۱) "سبک های دلبستگی و اختلالات شخصیت: تحلیلی بر نقش نایمینی دلبستگی بر اختلالات شخصیت خوشه B و C". فصلنامه مطالعات روانشناسی بالینی. شماره ۷، سال دوم.

- رحیمیان بوگر، اسحق؛ اصغر نژادفرید، علی اصغر و رحیمی نژاد، عباس (۱۳۸۷) "رابطه سبک‌های دلبستگی با سلامت روان در بزرگسالان زلزله‌زده شهرستان بم". پژوهش‌های روان‌شناختی. دوره ۱۱، شماره ۱ و ۲.
- رهنما، اکبر (۱۳۸۱) "بررسی تاثیر آموزش‌های حین ازدواج بر رضایت زناشویی گروهی از زوجین تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تهران". مجله دانشور. دوره دهم. شماره ۴۲.
- عابدی، فریبا (۱۳۸۶) "بررسی رابطه بین سبک‌های هویت، نقش‌های جنسی و جنس با ملاک‌های انتخاب همسر در بین دانشجویان مجرد دانشگاه تربیت معلم". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- عزیزاده، مرجان (۱۳۸۵) "بررسی روند آمار ازدواج و طلاق‌های ثبت شده کشور از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴". فصلنامه جمعیت. شماره ۵۵ و ۵۶.
- فدوی، آزاده (۱۳۸۹) "اثر بخشی آموزش هوش هیجانی یا (EQ) بر رضایت زناشویی و تعارضات زناشویی مادران دارای فرزند ابتدایی شهر رشت". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تنکابن.
- مهدوی حاجی، طاهره (۱۳۸۹) "بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر شادکامی، کیفیت زندگی و تنظیم هیجانی دانشجویان دانشگاه تربیت معلم". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- موسوی، اکرم سادات (۱۳۸۸) "مقایسه سبک‌های دلبستگی و مقابله‌ای در افراد مبتلا به سوء مصرف مواد و غیر مبتلا". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.
- میرمحمدصادقی، مهدی (۱۳۸۴) "ازدواج (آموزش پیش از ازدواج)". چاپ اول. تهران: سازمان بهزیستی کشور، معاونت امور فرهنگی و پیشگیری، دفتر پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی.
- نوری، نسیم و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۹۰) "رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرش افراد به عشق با ارزش‌های ازدواج". مجله علوم رفتاری. دوره ۵، شماره ۳.
- یاریاری، فریدون؛ مرادی، علیرضا و یحیی زاده، سلیمان (۱۳۸۶) "رابطه هوش هیجانی و منبع کنترل با سلامت روانشناختی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران". مطالعات روانشناختی. دوره ۳، شماره ۱.
- Badahdah, A. M. & Tiemann, K. A. (2005) "Mate selection criteria among muslims living in America". *Evolution and Human Behavior*. Vol. 26.

- Bowlby, J. (1969) **Attachment and loss**. Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Buss, D. M. & Barnes, M. (1986) "**Preferences in human mate selection**". Journal of Personality and Social Psychology. Vol. 50.
- Buss, D. M. & Schmitt, D. P. (1993) "**Sexual strategies theory: An evolutionary perspective on human mating**". Psychological Review. Vol. 100.
- Buss, D. M. (1989) "**Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures**". Behavior Brain Science. Vol. 12.
- Buss, D. M. (1998) **Sex differences in human mate preferences: Evolutionary hypotheses tested in 37 cultures**. In: Cooper, Cary L. and Pervin, Lawrence A. (1998). Personality.
- Ciarrochi, J.; Chan, A. Y. C. & Caputi, P. (2000) "**A critical evaluation of the emotional intelligence concept**". Personality and Individual Differences. Vol. 28.
- Crugnola, C. R.; Tambelli, R.; Spinelli, M.; Gazzotti, S.; Caprin, C. & Albizzati, A. (2011) "**Attachment patterns and emotion regulation strategies in the second year**". Infant Behavior and Development. Vol. 34.
- Eagly, A. H. & Wood, W. (1999) "**The origins of sex differences in human behavior: Evolved dispositions versus social roles**". American Psychologist. Vol. 54.
- Eagly, A. H. & Wood, W. (2002) "**A cross-cultural analysis of the behavior of women and men: Implications for the origins of sex differences**". Psychological Bulletin. Vol. 128.
- Extremera, N. & Fernandez, P. (2005) "**Perceived emotional Intelligence and life satisfaction: Predictive and incremental validity using the trait meta- mood scale**". Personality and Individual Differences. 39.
- Feeney, J. A. & Noller, P. (1990) "**Attachment style as a predictor of adult romantic relationships**". Journal of Personality and Social Psychology. Vol. 58.
- Gross, J. J. (1998) "**The emerging field of emotion regulation: An integrative review**". Review of General Psychology. 2 (3).
- Hazan, C. & Shaver, P. (1987) "**Attachment as an organizational framework for research on close relationship**". Psychological Inquiry. (5).
- Hill, R. (1945) "**Campus values in mate selection**". Journal of Home Economics. Vol. 37.
- Kenrick, D. T. & Trost, M. R. (1993) **The evolutionary perspective**. In A. E. Beall, & R. J. Sternberg (Eds.), The psychology of gender. New York: Guilford Press.

- Láng, A. (2010) "**Attachment and emotion regulation – clinical implications of a non-clinical sample study**". *Procedia Social and Behavioral Sciences*. 5.
- Linley, P. A. & Joseph, S. (2004) "**Positive change following trauma and adversity: A review**". *Journal of Traumatic Stress*. 17.
- Mayer, J. D.; Salovey, P. & Caruso, D. R. (1999) "**Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence**". *Journal of Intelligence*. Vol. 27.
- McGinnis, R. (1958) "**Campus values in mate selection: A repeat study**". *Social Forces*. Vol. 36.
- Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2003) "**The Attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, And interpersonal processes**". *Advances in Experimental Social Psychology*. Vol. 35.
- Mikulincer, M. & Shaver, P. R. (2004) "**Security-based self representations in adulthood: Contents and processes**". In W. S. Rholes & J. A. Simpson (Eds.), *Adult Attachment: Theory, Research, and Clinical Implications*. New York: Guilford.
- Miler, C. (2002) "**Men, women from same planet when looking for mate**". New York: Reuters Health.
- Parade, S. H., Leerkes, E. M., & Blankson, A. N. (2010) "**Attachment to parents, social anxiety and close relationships of female students over the transition to college**". *Journal of Youth Adolescence*, 39, 127-137.
- Pediaditakis, N. (1997) "**Factors and their origins in mate selection and choice among humans: implications for individual psychotherapy and counseling**". *Medical Hypotheses*. Vol. 51.
- Schmitt, D. P. (2003) "**Universal sex differences in the desire for sexual variety: Tests from 52 nations, 6 continents, and 13 islands**". *Journal of Personality and Social Psychology*. Vol. 85.
- Schmitt, D. P. (2005) "**Fundamentals of Human Mating Strategies**". *The Handbook of Evolutionary Psychology*. New Jersey: John Wiley & Sons, Inc.
- Shaver, P. R., Schachner, D. A., & Mikulincer, M. (2005) "**Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression**". *Personality and Social Psychology Bulletin*. Vol. 31. p.p: 343-359.
- Simpson, J. A. (1990) "**Influence of attachment style on romantic relationship**". *Personality Social Psychology*. Vol. 59.
- Simpson, J. A.; Rholes, W. S. & Nelligan, J. S. (1992) "**Support seeking and support giving within couples in anxiety provoking situation: The role of attachment styles**". *Journal Personality Social Psychology*. (62)3.
- Vadnais, A. M. (2005) "**The relationship of Emotional Intelligence and Marital Satisfaction**". Doctoral Dissertation, Alliant International University. *Dissertation Abstract International*, 3161334.

- Vimz, B. & Pina, W. (2010) **"The assessment of emotion regulation improving construct validity in research on psychopathology in youth"**. Journal Of Psychological Behaviour Assessment ,Published Online Do I,10.
- Wakil, P. (1973) **"Campus mate selection preferences: A cross-national comparison"**. Social Forces. Vol. 51.
- Weber, M. & Ruch, W. (2012) **"The role of character strengths in adolescent romantic relationships: An initial study on partner selection and mates' life satisfaction"**. Journal of Adolescence. Vol. 35.
- Yoo, S. H.; Matsumoto, D. & Le Roux, J. A. (2006) **"The influence of emotion recognition and emotion regulation on intercultural adjustment"**. International Journal of Intercultural Relation. 30.

Archive of SID

Attachment Styles, Emotion Regulation and Mate Selection among Kharazmi University Single Students

Faranak Ghafouri Asl

Master degree in General Psychology, Kharazmi University

Mohammad Hossein Abdollahi

Ph.D., Associate Professor in Psychology, Kharazmi University

Mohsen Amiri

Master degree Student in General Psychology, Kharazmi University

Received:10 Nov. 2014

Accepted:8 Jan. 2014

One of the important issues in the life of any one is the mate selection. Mate selection and the criteria related to it, as a fundamental factor in creating a warm and friendly atmosphere that underlie the growth and the development of society, have special importance. Given the importance of the issue, the objective of this research was to study the relationship between attachment styles and emotion regulation with mate selection among Kharazmi University single students.

This was a correlation study. The research society was all male and female students graduate BS, Kharazmi University of Tehran (93-92 academic year, a total of 5160 students). The sample of 250 people (125 male, 125 female) were selected by using multi-stage cluster sampling method. Then they completed Adult Attachment Style questionnaire, Emotional Regulation subscale and Mate Selection questionnaire. Data analysis, in both descriptive and inferential statistics, was performed using Pearson correlation, Stepwise regression and Independent T-test.

Results showed emotion regulation and secure attachment style had a significant positive correlation with components of mate selection including conscientiousness, extraversion and objectivity. Also, results of stepwise regression showed that emotion regulation and ambivalent attachment style can explain 23 percent of variance of conscientiousness of mate selection; Emotion regulation, anxious-ambivalent and avoidant attachment styles can explain 25 percent of variance of extraversion of mate selection, and anxious-ambivalent, avoidant and secure attachment styles can explain 17 percent of variance of objectivity of mate selection. The results of t-test showed that the two groups of male and female are different in conscientiousness of mate selection.

In conclusion, These results can be used in premarital consultation with determining attachment style and emotion regulation in order to predict their mate selection criteria.

Keywords: Attachment Styles, Emotion Regulation, Mate Selection Criteria and Single students